

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۳۳۲-۳۵۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1913798.2125](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1913798.2125)

## بررسی و مقایسه پیکره‌بنیاد گفتمان آثار جلال آل احمد و احمد محمود

مهسا کمال‌پور<sup>۱</sup>، دکتر شهرام مدرس خیابانی<sup>۲</sup>، دکتر محمد جواد حجازی<sup>۳</sup>

### چکیده

دیدگاه‌های چندی به‌منظور تحلیل متن‌های ادبی مبتنی بر داده‌های واقعی زبان وجود دارد که می‌توان در این خصوص به تحلیل‌های پیکره‌یار و دیدگاه «کلیدواژگی» اشاره کرد. مقاله حاضر سفرنامه و رمان‌های «غرب‌زدگی»، «حسی در میقات»، «مدیر مدرسه»، «اورازان»، «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» از جلال آل احمد و «مدار صفر درجه»، «غریبه‌ها»، «پسرک بومی و همسایه‌ها» از احمد محمود را بر اساس این دو دیدگاه تحلیل می‌کند. تحلیل پیکره‌یار روش سودمندی است که به‌واسطه آن می‌توان به بررسی بازنمود ایدئولوژی در صورت‌های زبانی در حوزه‌ای چون زبان‌شناسی پرداخت. متن‌های ادبی نیز اعم از رمان‌ها و سفرنامه‌هایی که توسط نویسندگان شکل می‌گیرد، نشأت گرفته از ایدئولوژی نهفته ویژه‌ای است تا مخاطب را به سمت آنچه مدنظر نویسنده است سوق دهد. پژوهش حاضر درصدد آن است تا با تکیه بر کلیدواژه‌های موجود در آثار این دو نویسنده، با بهره‌گیری از رویکرد نظری بیکر (۲۰۰۶) و با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا و همچنین با روش گردآوری پیشنهادی پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و با تکیه بر پیکره‌های زبان به بررسی فضای سیاسی و اجتماعی حاکم در آثار آن‌ها بپردازد. برای دستیابی به تحلیل مناسب با تکیه بر ابزار رایانشی ورد اسمیت، ۳ کلیدواژه واژگانی که از فراوانی زیادی برخوردار بودند از هر اثر استخراج شد و سپس در قالب ۵۴ جمله- نمونه مبتنی بر رویکرد ون‌دایک مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص شد که رویکرد نویسندگان بیانگر چه نوع ویژگی‌های ایدئولوژیک بوده است. نتایج حاصل نشان‌دهنده نگرش و ایدئولوژی آسیب‌شناختی جلال آل احمد و احمد محمود در جوامع انسانی بود.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، کلیدواژه، کلیدواژگی، جلال آل احمد، احمد محمود.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

kamalpoormahsa58@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه آموزش و مترجمی زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤل)

shmodarress@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

hejazi@qom-iau.ac.ir



## مقدمه

تحلیل گران گفتمان ادعا دارند که گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است. گفتمان کاوان برآنند که مؤلفه‌های اساسی نظیر این که چه کسی، چگونه، چرا و چه وقت به کاربرد زبان روی می‌آورد را به مفهوم گفتمان اضافه نمایند که در این واریسی اولیه از مفهوم گفتمان، سه بعد اصلی پیش رو است: الف. کاربرد زبان، ب. برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)، ج. تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (ون‌دایک، ۱۹۹۷). مطالعات گفتمانی از دو بُعد کمی و کیفی بررسی می‌شوند؛ از بُعد کمی می‌توان به رهیافت تحلیل محتوا اشاره کرد که در آن تحلیلگر گفتمان به تحلیل فراوانی یا بسامد وقوع واژه‌ها و عبارات محدود می‌شود و بافت زبانی را در تحلیل‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌دهد. در بُعد کیفی مانند تحلیل انتقادی و تحلیل گفتمان نیز سوگیری‌های تحلیل‌گر در تحلیل‌ها وجود دارد. محدود شدن به هر یک از این دو بُعد کاستی‌هایی را در پژوهش‌ها به دنبال خواهد داشت؛ در نتیجه تحلیلگران در بررسی‌ها از هر دو بُعد سود می‌جویند. صاحب‌نظرانی چون فرکلایف (Fairclough.N)، ووداک (Wodak.R)، ون‌دایک، فاولر (Fowler.R) و کرس (Kress.G) در معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان گرایش نو در تحلیل متن نقش داشته‌اند (ر.ک: قبادی، آقاگل‌زاده و دسپ، ۱۳۸۸) و هرکدام به‌گونه‌ای ایدئولوژی «علم افکار» یا مطالعه چگونگی صحبت کردن و فکر کردن و یا خودآگاه کاذب را تعریف کرده‌اند و نگاهی منفی‌گرایانه به آن داشته‌اند و نوعی قطبی‌سازی میان «ما» و «آن‌ها» بر این مبنا که آنچه «ما» داریم دانش حقیقی است و آنچه «آن‌ها» دارند ایدئولوژی است به وجود آورده‌اند؛ اما ون‌دایک از ایدئولوژی تعریفی بی‌طرفانه و خنثی ارائه می‌دهد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد و ایدئولوژی را «نظام باورها» تعریف می‌کند (ر.ک: سلطانی، ۱۳۹۲: ۵۲). ون‌دایک همچنین بر این باور است که میان ساختارهای اجتماعی رابطه مستقیمی وجود ندارد و آن‌ها همیشه به‌واسطه شناخت فردی و اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند و شناخت، حلقه گمشده بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی است. از این رو، او مثلث جامعه-شناخت-گفتمان را عرضه می‌کند. در عین حال که ون‌دایک به شناخت اهمیت زیادی می‌دهد، معتقد است به دلیل اینکه اساساً ماهیت گفتمان کلامی است، تحلیل گفتمان انتقادی نیازمند پایه صرفاً زبان‌شناختی نیز هست (ر.ک: آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶). تحلیل گفتمان یکی از روش‌های بررسی داستان، است که با توجه به نوع آثار مورد بررسی در این

پژوهش، شیوه و الگویی مناسب برای بررسی رمان است. در این میان، یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی در نقد ادبیات داستانی و رمان، رویکرد ون‌دایک است که متن‌ها را در سه وجه گفتمان، اجتماع و شناخت بررسی می‌کند. از نویسندگان برجسته در حوزه ادبیات داستانی، جلال آل احمد و احمد محمود هستند که در داستان‌هایشان مشکلات اجتماعی را به‌وضوح نشان داده‌اند. در این پژوهش، نگارندگان برآنند تا با توجه به کلیدواژه‌ها، چند اثر از این دو نویسنده را مبتنی بر رویکرد ون‌دایک تحلیل کنند. با این نگاه، بررسی موقعیت و تعامل رمان رفتارهای برآمده از تحولات کلان اجتماعی از خلال این نوع ادبیات به غنی‌سازی نقد ادبی در حوزه ادبیات داستانی کمک خواهد کرد.

### پیشینه تحقیق

بررسی‌های بسیاری در خصوص تحلیل‌های گفتمانی پیکره-بنیاد به دلیل اهمیت این موضوع در زمینه‌های متفاوت زبان‌شناسی و تحلیل متن‌های ادبی، توسط محققان ایرانی و غیر ایرانی صورت پذیرفته است. خیرآبادی (۱۳۹۳) با بررسی اهداف ایدئولوژیک، سامنی و مدرس خیابانی (۱۳۹۴) با تهیه پیکره الکترونیکی و دستیابی به واژه‌ها و عبارات با فراوانی بالا، یارمحمدی، یمنی و قنبری (۱۳۸۹) با مقایسه داستان‌ها و رمان‌ها؛ کاظمی و نواح (۱۳۹۳) با بررسی مسئله زنان و کلیشه‌های جنسیتی در آثار داستانی جلال آل احمد؛ سامان خانی اسفندآباد و ماه نظری (۱۳۹۹) نیز در مقاله‌ای به نقد جامعه‌شناسی رمان دل کور اسماعیل فصیح می‌پردازند و ارتباط ادبیات با محیط و طبقات اجتماعی آن عصر را نشان می‌دهند. مقاله علیپور گسگری (۱۳۸۹) تحت عنوان «اندیشه‌های جلال آل احمد در آینه داستان‌هایش» به بررسی بخش‌هایی از فرازوفرودهای اندیشگی، دغدغه‌های اجتماعی و بازتاب آن‌ها پرداخته است. دستغیب (۱۳۹۰) نیز در «نقد آثار جلال آل احمد» در مورد داستان مدیر مدرسه (۱۳۳۷)، به این مهم دست می‌یابد که جلال آل احمد با خلق این داستان موفق شده تا زوایا و ابعاد وضعیت فرهنگی، سیاسی- اجتماعی و اقتصادی و آموزشی جامعه را به‌روشنی تبیین سازد و در تحلیل رمان «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» به این مهم دست یافت که جلال آل احمد در این اثر به گوشه‌ای از میراث بزرگ پیشینیان خود اشاره کرده است. زمانی (۱۳۸۷) در «معرفی و نقد کتاب اورازان اثر جلال آل احمد» به توصیف اورازان می‌پردازد و به این نتیجه دست می‌یابد که در عرف و فرهنگ و سیاست کشور ما، یک ده در هیچ موردی جدی گرفته نمی‌شود. همچنین

أجکیانس (۱۳۸۳) در «مروری بر آثار احمد محمود»، به بررسی رمان «غریبه‌ها» می‌پردازد و استیصال مردمی را که بر اثر سیل و قحطی و بیکاری و مهاجرت جوانان خود به گرسنگی جان‌فرسایی کشانده شده‌اند مطرح می‌کند. دستغیب (۱۳۷۸) در «نقد آثار احمد محمود» به «پسرک بومی» که محمود در آن به عشق اشاره می‌کند. شکری‌زاده (۱۳۸۶) نیز در «ادبیات اقلیمی در رمان‌های احمد محمود» به بررسی رمان همسایه‌ها می‌پردازد و در آن انعکاس شمه‌ای از مبارزات مردمی در جریان ملی شدن صنعت نفت را توصیف می‌کند. و همچنین به پژوهش‌های زبان‌شناسان غیرایرانی از جمله بیکر (۲۰۰۶) در تحلیل شمارش و پراکندگی فراوانی و بررسی مفهوم کلیدواژگی می‌توان اشاره کرد. اسکات (۲۰۰۷) در مقاله خود تحت عنوان «کلیدواژگی در نمایشنامه‌های شکسپیر» (Keyness in Shakespear's Plays)، کلیدواژگی را بر اساس واژه‌های با فراوانی بالا که در متن‌ها وجود دارند تعریف می‌کند. بیکر (۲۰۰۶) در کتاب خود تحت عنوان «کاربرد پیکره در تحلیل گفتمان» (Using Corpora in Discourse Analysis) می‌گوید زمانی که چیزی در برابر چیز دیگری مقایسه می‌شود کلیدواژگی به خوبی عمل می‌کند.

### روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا به کمک پیکره‌های زبان صورت گرفت. بر این اساس پیکره‌ای از آثار دو نویسنده (مدار صفر درجه، همسایه‌ها، غریبه و پسرک بومی، غرب‌زدگی، اورازان، تات‌نشین‌های بلوک زهرا، مدیر مدرسه، خسی در میقات) تهیه شد و سپس ۳ کلیدواژه واژگانی که از فراوانی زیادی برخوردار بودند در قالب ۵۴ جمله- نمونه از هر اثر به کمک نرم‌افزار ورد اسمیت استخراج شد تا بتواند مبنایی عینی برای انجام تحلیل گفتمان انتقادی دو اثر باشد. روش گردآوری پیشینه پژوهش نیز به صورت کتابخانه‌ای انجام شد.

### مبنای تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای دستاوردهای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه ادبیات و الگوی نظری سه وجهی ون‌دایک (۱۹۹۸) است. در این تحقیق از میان سه وجه الگوی مطرح شده توسط ون‌دایک، (کارکرد گفتمانی، کارکرد اجتماعی، کارکرد شناختی) دو کارکرد گفتمانی و کارکرد شناختی مرتبط به هر یک از متن‌های داستانی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

نگارندگان در کارکرد گفتمانی به بازنمایی صوری و به تبع آن کلیدواژگی و در کارکرد شناختی به شناخت فردی و به تبع آن ایدئولوژی‌ها و نظام‌های نگرش می‌پردازد.

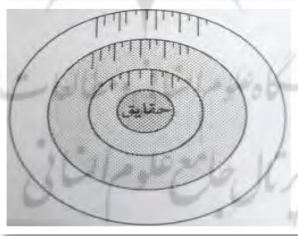
### تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی سه وجهی ون‌دایک

ون‌دایک بر آن است که در تحلیل گفتمان انتقادی، یک عامل شناختی - فردی رابطه میان مردم و جامعه (ایدئولوژی و گفتمان) را بر می‌کند؛ رویکرد وی رویکردی تحلیلی، شناختی، اجتماعی است. بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی از نظر ون‌دایک شامل سه سطح کارکرد گفتمانی، کارکرد شناختی و کارکرد اجتماعی است. فهم دقیق مفاهیم سه گانه گفتمان، شناخت و اجتماع برای آشنایی با این رویکرد اهمیتی بسزا دارد. منظور از گفتمان در اینجا معنای عام یک رویداد ارتباطی از جمله تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری و حرکات بدن و سر و دست، طرح صفحه‌بندی، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر دلالت معنایی است (ر.ک: ون‌دایک، ۲۰۰۱: ۹۸)؛ بنابراین منظور از گفتمان در اینجا همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است و با نگرش فوکو و لاکلا و موف به گفتمان متفاوت است؛ اما شناخت مرتبط است با شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و همچنین ارزیابی‌ها و احساسات و همه ساختارها، بازنمایی‌ها و فرایندهای مرتبط با ذهن و حافظه که به گفتمان و تعامل مربوطند و سرانجام اینکه اجتماع، هم شامل خرده ساختارهای محلی تعاملات رو در روی موقعیت‌مند می‌شود، هم شامل ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که به‌طور مختلف در قالب گروه‌ها، روابط گروهی مانند سلطه و نابرابری، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرایندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و خصوصیات انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شود. به این ترتیب، جنبه‌های شناختی و اجتماعی این مثلث بافت محلی و همگانی گفتمان را فراهم می‌آورند. ون‌دایک بر اساس رویکردی چندرشته‌ای و بر اساس مثلثی که از ترکیب گفتمان، شناخت و اجتماع شکل می‌دهد، سعی دارد نظریه‌ای جامع درباره ایدئولوژی ارائه دهد. جنبه گفتمانی ایدئولوژی‌ها توضیح می‌دهد که چگونه ایدئولوژی‌ها بر گفتار و نوشتار روزانه ما تأثیر می‌گذارند، چگونه ما گفتمان ایدئولوژیک را می‌فهمیم و چگونه گفتمان در بازتولید ایدئولوژی در اجتماع نقش دارد. بنابراین، کاربرد زبان، متن، گفتار و تعاملات و ارتباطات کلامی با عنوان عام گفتمان بررسی می‌شود. تعریف شناختی از ایدئولوژی در قالب شناخت اجتماعی‌ای ارائه می‌شود که در میان اعضای یک گروه مشترک است (ر.ک: یاسمی و آفاگل‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۵ -

۱۹۷، ون دایک، ۲۰۰۱: ۱-۶).

### تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی فرانظریه‌ای متن

اگر ایدئولوژی را به‌عنوان عملی اجتماعی بپذیریم و بر این باور باشیم که زبان، ایدئولوژی را تولید می‌کند و ایدئولوژی از جامعه به فرد منتقل می‌شود پس حقیقت ثابتی جود ندارد زیرا هر جامعه در هر دوره‌ای محصول اجتماعی خاصی دارد که با جوامع و ادوار دیگر متفاوت است. نویسندگان نگرش‌های خود را که متأثر از جهان‌بینی، شناخت و ابزار شناخت است به‌صورت متن‌های مختلف ارائه می‌کنند، اما وابستگی و پابندی آن‌ها به این ابزار و استفاده از آن‌ها بر روی پیوستاری قرار دارد و در نتیجه دارای مراتب و درجاتی است که اگرچه در بعضی از مواقع، استفاده از ابزار شناخت و جهان‌بینی از سوی یک نویسنده تا حدودی مشابه بوده است اما این امکان وجود دارد که متن‌های متفاوتی در خصوص یک موضوع مشترک و با یک واقعیت ثابت آفریده شود. پس هرچند حقیقت ثابت است اما طرز تلقی و توصیف آن متفاوت و متنوع خواهد بود و آنچه تغییر می‌کند سطح علم نویسنده در هر دوره است. متن‌هایی را که نویسندگان خلق می‌کنند حاصل اندیشه و تجربه آن‌ها است که با توجه به نوع نگرش و شناخت و جهان‌بینی آن‌ها از دیگر نویسندگان متمایز می‌شود. بر اساس الگوی فرا نظریه‌ای متن (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۵)، ارزش‌گذاری متن‌های نویسندگان به شکل مدرج صورت می‌گیرد.



شکل ۳-۱: الگوی فرا نظریه‌ای متن (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۵)

در دایره مرکزی، حقایق جهان هستی وجود دارد که انسان تنها حقیقی است که می‌تواند تصمیم بگیرد و حقایق دیگر را تولید کند. هر حلقه، دوره سنی نویسندگان را همراه با تولیدات آن‌ها نشان می‌دهد. این تولید به‌صورت خطوط کوتاه و بلند در نظر گرفته شده است، هر دوره سنی با دوره دیگر متفاوت است اما می‌تواند با یافته‌های دیگر افراد در همان جامعه مقایسه و ارزیابی شود و ارزش‌گذاری هر یافته با انطباق با حقایق ثابت در مرکز دایره انجام می‌گیرد.

هریک از حلقه‌ها نماینده واقعیت‌های موجود در دوره هر نویسنده است و تمام اطلاعات آن دوره اعم از مشکلات و ناکامی‌ها را نشان می‌دهد. ارزش‌گذاری‌هایی که نویسندگان ارائه می‌کنند به تبع متفاوت بودن شناخت آن‌ها از هر دوره زمانی، از درجات مختلفی برخوردار است و می‌تواند با دوره‌های دیگر زمانی هم متفاوت باشد. نویسندگان با توجه به تعامل شناختی درونی و بیرونی خود، متن‌های متفاوتی را در مورد مشکلات اجتماعی می‌نویسند. اگر نویسندگان از هنجارگریزی یا واژگان و دستور خاصی استفاده کنند در واقع به فریب زبانی پرداخته‌اند و می‌توان ایدئولوژی خاصی در پشت آثار آن‌ها جستجو کرد. مطابق با دیدگاه ون‌دایک که تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات را نوعی تحلیل گفتمان می‌داند، می‌توانیم نابرابری‌های اجتماعی را در داستان‌های نویسندگان کشف کنیم و نشان دهیم که صورت‌های زبانی، آزادانه انتخاب نمی‌شوند بلکه شرایط انتخاب از قبیل گفتمان غالب، دانش زمینه‌ای نویسنده و دانش اجتماعی- فرهنگی، صورت‌های زبانی را در متن‌های ادبی تحت تأثیر قرار می‌دهد و این شرایط توسط ایدئولوژی، جامعه و گفتمان تعیین می‌شود و بدین صورت عقاید و درواقع ایدئولوژی‌هایی که در متن وجود دارد را جستجو نماییم.

### کلیدواژه و کلیدواژگی

منظور از کلیدواژه، واژه پربسامد در یک پیکره نیست، بلکه منظور واژه‌های است که در یک متن خاص بیش از آنچه از یک پیکره انتظار می‌رود، فراوانی بالایی داشته باشد (ر.ک: کمال‌پور، مدرس خیابانی و حجازی، ۱۳۹۹: ۵۵). واحدهای واژگانی از موقعیت یکسانی در واژگان یک زبان برخوردارند اما اهمیت آن‌ها از نقطه نظر متن متفاوت است. هر صورت واژه منفرد و واحد در ساختار معنی در متن سهیم است اما تنها بعضی از واژه‌ها، کلیدواژه محسوب می‌شود؛ به‌عنوان مثال، تنها بعضی از عناصر زبانی، ویژگی فرهنگی آن را تعیین می‌کنند. از اصطلاح «کلیدواژه» می‌توانیم به‌عنوان ابزار تحقیق در متن کاوی و طبقه‌بندی متن‌ها و به‌عنوان ابزارهای تحلیل در تفسیر متن و تحلیل گفتمان یاد نماییم (ر.ک: اسکات و ترابیل، ۲۰۰۶: ۵۹-۶۰).

### بحث

#### تحلیل داده‌ها

در جدول‌های ۱ تا ۹، کلیدواژه‌های هر اثر به‌صورت جداگانه استخراج شده و فراوانی وقوع هرکدام ارائه شده است. با استفاده از نرم‌افزار تحلیل پیکره‌ای ورد اسمیت، ۹ جدول مشتعل بر

۹ ستون ارائه می‌شود. ستون Freq. فراوانی هر واژه را نشان می‌دهد. درحالی‌که ستون درصد/، نمایانگر نسبت کلی یک واژه خاص نسبت به کل پیکره است. ستون RC. Freq. فراوانی خام پیکره مرجع و ستون % RC. درصد فراوانی واژه را در پیکره مرجع نشان می‌دهد. Log R. بیانگر نسبت فراوانی واژه در متن هدف، به میزان کاربرد آن در پیکره مرجع است. برای نمونه عدد ۱/۷۹ نشان می‌دهد که واژه «غرب» در داستان غرب‌زدگی تقریباً ۲ تا ۴ برابر بیشتر از فراوانی واژه در کل آثار جلال به کار رفته است. Log L. بیانگر میزان کلیدواژگی است؛ این میزان اگر منفی باشد، نشان می‌دهد که واژه موردنظر کمتر از انتظار، در متن به کار رفته است. ستون آخر P که عددی میان صفر تا یک است، مقدار اطمینان را در مورد اینکه یک واژه تا چه اندازه به صورت تصادفی کلیدی بوده است، نشان می‌دهد. اگر در فهرست واژه‌های کلیدی تعداد اندکی از واژه‌ها ارائه شود، می‌توان با افزایش ارزش P و استخراج مجدد کلیدواژه‌ها تعداد دیگری از کلیدواژه‌ها را استخراج کرد (ر.ک: اسکات، ۲۰۱۸). هر چه قدر ارزش P کوچک‌تر باشد احتمال اینکه وقوع واژه در پیکره تصادفی نیست، بیشتر است یعنی نشان می‌دهد نویسنده، از آن واژه به‌طور مرتب و تکراری استفاده کرده است.

در این پژوهش، ۳ واژه کلیدی نخست از صورت‌های واژگانی (اسم، صفت، فعل، قید) از هر اثر انتخاب شده‌است که در جدول‌های ۱ تا ۹، به همراه فراوانی هر یک آورده شده است. از هر واژه کلیدی ۲ جمله شاهد و در مجموع ۵۴ جمله شاهد از ۹ اثر ارائه گردیده است. همچنین گرچه بعضی از شاهد‌ها دربرگیرنده بیش از یک واژه کلیدی است، در هر کدام تنها یک واژه کلیدی در نظر گرفته شده است.

جدول ۱. کلیدواژه‌های «غرب‌زدگی»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۱/۷۹	۱۵۳/۱۳	۱۴۰/۹۰	۰/۱۴	۲۲۴	۱	۰/۴۸	۲۰۷	غرب
۰/۰۰	۱/۵۸	۹۲/۸۴	۸۰/۶۰	۰/۱۲	۱۸۸	۱	۰/۳۵	۱۵۱	ماشین
۰/۰۰	۱/۵۱	۳۸/۰۷	۲۵/۸۴	۰/۰۵	۸۸	۱	۰/۱۵	۶۷	نفت

جدول ۲. کلیدواژه‌های «خسی در میقات»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۱/۷۵	۶۱/۶۲	۴۹/۳۶	۰/۰۵	۸۹	۱	۰/۱۸	۸۹	حج
۰/۰۰	۱/۷۵	۵۶/۷۷	۴۴/۵۱	۰/۰۵	۸۲	۱	۰/۱۷	۸۲	حجاج
۰/۰۰	۱/۶۸	۵۳/۴۱	۱۴/۱۵	۰/۰۵	۸۶	۱	۰/۱۷	۸۲	مدینه



جدول ۳. کلیدواژه‌های «مدیر مدرسه»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۲/۱۱	۲۹۳/۸۷	۲۸۱/۷۱	۰/۲۲	۳۶۳	۱	۰/۹۷	۲۷۸	یک
۰/۰۰	۲/۳۰	۲۶۰/۵۰	۲۴۸/۳۴	۰/۱۵	۲۵۰	۱	۰/۷۶	۲۱۸	مدرسه
۰/۰۰	۲/۳۵	۱۸۸/۹۳	۱۷۶/۷۷	۰/۱۰	۱۶۹	۱	۰/۵۳	۱۵۳	معلم

جدول ۴. کلیدواژه‌های «اورازان»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۱/۶۲	۷۰/۹۰	۵۸/۸۲	۰/۱۹	۳۱۵	۱	۰/۶۰	۹۰	ده
۰/۰۰	۳/۱۸	۵۵/۲۲	۴۳/۱۴	۰/۰۲	۳۱	۱	۰/۱۷	۲۶	اورازان
۰/۰۰	۲/۰۸	۴۹/۰۰	۳۶/۹۲	۰/۰۷	۱۰۷	۱	۰/۲۸	۴۲	اهالی

جدول ۵. کلیدواژه‌های «تات‌نشین‌های بلوک زهرا»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۲/۵۹	۱۱۰/۵۴	۹۸/۳۹	۰/۰۵	۷۸	۱	۰/۲۹	۷۷	ابراهیم‌آباد
۰/۰۰	۲/۵۹	۱۰۷/۶۴	۹۵/۴۹	۰/۰۵	۷۶	۱	۰/۲۸	۷۵	سگزی‌آباد
۰/۰۰	۱/۵۵	۸۶/۹۶	۷۴/۸۲	۰/۱۷	۲۷۰	۱	۰/۴۹	۱۳۰	گفت

جدول ۶. کلیدواژه‌های «مدار صفر درجه»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۱/۵۸	۶۵۵/۱۰	۶۴۲/۷۱	۰/۶۳	۱۱۵۲	۱	۱/۹۰	۱۱۳۴	باران
۰/۰۰	۱/۶۱	۶۰۷/۶۸	۵۹۵/۲۹	۰/۵۷	۱۰۲۹	۱	۱/۷۲	۱۰۲۹	نوذر
۰/۰۰	۱/۶۱	۳۷۶/۱۹	۳۶۳/۷۹	۰/۳۵	۶۳۷	۱	۱/۰۷	۶۳۷	یارولی

جدول ۷. کلیدواژه‌های «غریبه‌ها»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۳/۰۰	۲۵۸/۸۴	۲۴۶/۶۱	۰/۰۸	۱۳۹	۱	۰/۶۱	۱۳۹	یانفوت
۰/۰۰	۲/۹۷	۱۵۴/۱۴	۱۴۱/۹۱	۰/۰۵	۸۶	۱	۰/۳۷	۸۴	نعمت
۰/۰۰	۳/۰۰	۱۴۵/۲۵	۱۳۳/۰۲	۰/۰۴	۷۸	۱	۰/۳۴	۷۸	علیرضا

جدول ۸. کلیدواژه‌های «پسرک بومی»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	۲/۱۹	۲۱۸/۲۹	۲۰۶/۰۵	۰/۱۷	۳۰۲	۱	۰/۷۶	۱۸۴	شهرروز
۰/۰۰	۲/۹۱	۱۶۳/۴۵	۱۵۱/۲۲	۰/۰۵	۹۳	۱	۰/۳۸	۹۳	سوری
۰/۰۰	۲/۹۱	۱۴۹/۳۹	۱۳۷/۱۶	۰/۰۵	۸۵	۱	۰/۳۵	۸۵	بنی

جدول ۹. کلیدواژه‌های «همسایه‌ها»

P	LogR	LogL	BIC	RC.%	RC.Freq.	Texts	%	Freq.	واژه کلیدی
۰/۰۰	-۱/۵۶	-۲۵/۶۷	۱۳/۲۱	۰/۴۶	۸۲۸	۱	۰/۲۲	۲۳۹	سر
۰/۰۰	-۱/۰۹	-۲۸/۳۵	۱۵/۹۰	۰/۱۴	۲۵۸	۱	۰/۱۷	۵۰	سیگار
۰/۰۰	-۱/۶۲	-۲۹/۱۴	۱۶/۶۸	۰/۳۸	۶۹۳	۱	۰/۲۵	۱۸۷	دست

در ۹ جدول فوق، پربسامدترین ۳ واژه کلیدی داستان‌های «غرب‌زدگی»، «خسی در میقات»، «مدیر مدرسه»، «اورازان»، «تات‌نشین‌های بلوک زهرا»، «مدار صفر درجه»، «غریبه‌ها»، «پسرک

بومی» و «همسایه‌ها» واژه‌های واژگانی هستند که به همراه فراوانی‌هایشان در زیر آورده شده‌اند، در این پژوهش به بررسی این واژه‌های کلیدی می‌پردازیم. مشاهده می‌شود که کلیدواژه‌های «غرب‌زدگی» عبارت است از غرب (۲۰۷ مرتبه)، ماشین (۱۵۱ مرتبه)، نفت (۶۷ مرتبه)، کلیدواژه‌های «حسی در میقات» عبارت است از حج (۸۹ مرتبه)، حجاج (۸۹ مرتبه)، مدینه (۸۲ مرتبه)، کلیدواژه‌های «مدیر مدرسه» عبارت است از یک (۲۷۸ مرتبه)، مدرسه (۲۱۸ مرتبه)، معلم (۱۵۳ مرتبه)، کلیدواژه‌های «اورازان» عبارت است از ده (۹۰ مرتبه)، اورازان (۲۶ مرتبه)، اهالی (۴۲ مرتبه)، کلیدواژه‌های «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» عبارت است از ابراهیم‌آباد (۷۷ مرتبه)، سگزآباد (۷۵ مرتبه)، گفت (۱۳۰ مرتبه)، کلیدواژه‌های «مدار صفر درجه» عبارت است از باران (۷۷ مرتبه)، نوذر (۷۵ مرتبه)، یارولی (۱۳۰ مرتبه)، کلیدواژه‌های «غریبه‌ها» عبارت است از یاقوت (۱۳۹ مرتبه)، نعمت (۸۴ مرتبه)، علی‌رضا (۷۸ مرتبه)، کلیدواژه‌های «پسرک بومی» عبارت است از شهروز (۱۸۴ مرتبه)، سوری (۹۳ مرتبه)، بتی (۸۵ مرتبه)، کلیدواژه‌های «همسایه‌ها» عبارت است از سر (۲۳۹ مرتبه)، سیگار (۵۰ مرتبه)، دست (۱۸۷ مرتبه). همان‌گونه که اشاره شد کلیدواژه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده ایدئولوژی نویسنده باشد. در این بخش نگرش جلال آل احمد و احمد محمود در ۹ داستان موردنظر همراه با جملات شاهد از هر پیکره مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود کلیدواژه‌ها تا چه اندازه در بازنمود نظام باور نویسنده سهیم بوده است.

### تحلیل کلیدواژه‌ها در داستان «غرب‌زدگی»

جلال آل احمد در این اثر به تحلیل معنا و مفهوم واژه غرب‌زدگی می‌پردازد و بر آن است تا به بررسی دلایل و عوامل پیدایش این مقوله در فرهنگ اجتماعی ایران اشاره کرده و در جستجوی راهکاری برای رویارویی با این مسئله است. به‌منظور تحلیل جدول ۱، به ارائه نمونه‌هایی از کلیدواژه‌های پربسامد می‌پردازیم. الف. جلال آل احمد به‌واسطه کاربرد واژه غرب‌زدگی (شاهد‌های ۱ و ۲) دریچه نگاه خویش به غرب را بیش از آنکه از مبادی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی غرب نشان دهد، تبعات غرب را آشکار می‌سازد. شاهد ۱: «غرب‌زدگی می‌گویم همچون وبازدگی؛ و اگر به مذاق خوشایند نیست، بگویم همچون سرمازدگی یا گرم‌زدگی؛ اما نه دست‌کم چیزی است در حدود سن زدگی» (آل احمد، ۱۳۸۵: ۱۳). شاهد ۲: «آدم غرب‌زده شخصیت ندارد، چیزی است بی‌اصالت، خودش و خانه‌اش

و حرف‌هایش، بوی هیچ‌چیزی را نمی‌دهد» (همان: ۱۲۲). ب. کلیدواژه دیگری که از فراوانی زیادی برخوردار بود واژه ماشین (شاهد‌های ۳ و ۴) بود که نخستین، بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مفهوم غرب‌زدگی از نظر جلال آل احمد که «وابستگی به ماشین» است را نشان داد. شاهد ۳: نه تنها ماشین را تمام و کمال از فرنگ و امریکا وارد می‌کنیم، بلکه یک دار و دسته عریض و طویل فرنگی از کارگر ساده گرفته تا مهندس و سرمهندس - به دنبال ماشین می‌آوریم (ر.ک: همان: ۱۰۱). شاهد ۴: «ما تا وقتی تنها مصرف‌کننده‌ایم - تا وقتی ماشین را نساخته‌ایم - غرب‌زده‌ایم» (همان: ۲۰).

ج. همچنین با اشاره به واژه‌ای چون نفت (شاهد‌های ۵ و ۶)، به وابستگی اقتصادی ایران به‌عنوان نشانه‌ای از حد‌اعلای غرب‌زدگی پرداخت. شاهد ۵: «بریشم را داده‌ایم و نفت را» (همان: ۴۰). شاهد ۶: «ما در مقابل این نفتی که آن‌ها می‌برند باید ماشین وارد کنیم؛ و به دنبال ماشین متخصص - و به دنبال متخصص ماشین» (همان: ۱۰).

#### تحلیل کلیدواژه‌ها در داستان «خسی در میقات»

تلاش آل احمد در مردم‌شناسی، کشف بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی مردم (خواه ایرانیان یا مسلمانان) فهم وضع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مردم، روابط فکری، مذهبی و اجتماعی، کشف اشکالات، تضادها و عقب‌افتادگی در پیوند با مسئله غرب‌زدگی ایرانیان و مسلمانان و استعمار غریبان و کوشش در ارائه راه‌حل و الگوها است. آل احمد در «خسی در میقات» برای نخستین بار به‌جای ایرانیان، مسلمانان را مورد کاوش و بررسی قرار می‌دهد. میزان کاربرد عبارت‌هایی درباره غرب‌زدگی دنیای اسلام در خسی در میقات، به‌گونه‌ای است که تصور می‌شود برای نخستین بار است که آل احمد با مصادیق غرب‌زدگی در عالم اسلام مواجه می‌شود (ر.ک: بشیری، ۱۳۹۰). به‌منظور تحلیل جدول ۲، به ارائه نمونه‌هایی از کلیدواژه‌های پربسامد می‌پردازیم: الف. در شاهد‌های (۷ و ۸) اسم خاص مدینه به مکانی که داستان رخ می‌دهد، اشاره دارد. در این مکان‌ها ابعاد فرهنگی، اجتماعی و مذهبی توصیف می‌شود و نویسنده به مشکلات حاجیان در این شهر و وضع مسلمانان نیز می‌پردازد. شاهد ۷: چاره‌ای نیست جز بین‌المللی کردن این مشاهد مکه و مدینه و عرفات و منی؛ و اداره آن‌ها را در اختیار هیئت مشترکی از ممالک مسلمان گذاشتن و از اختیار عرب سعودی درآوردن (ر.ک: آل احمد، ۱۳۸۲: ۴۰). شاهد ۸: معلوم شد تا سه سال پیش حجاج را از مدینه به مکه با ماشین‌های باری

می‌برده‌اند؛ و حالا همان اتوبوس‌ها است که طاقشان را برمی‌دارند و مسافر راحت روی صندلی می‌نشیند (همان: ۷۲).

ب. آل احمد در بخش‌های زیادی از خسی در میقات، مشکل حج، رفتار مسلمانان و حاجیان، تأثیر اندک حج بر حیات مسلمانان و ضعف کشورهای اسلامی را ناشی از غرب‌زدگی می‌داند. کلیدواژه‌های حج، حجاج در شاهدهای (۹ الی ۱۲) دیده می‌شود. شاهد ۹: «... سفر حج عین صحرای محشر است...» (همان: ۹۰). «... اما به هر صورت دیده می‌شود که برای حج هیچ نوع تشکیلاتی از قبل فراهم نیست. امر حج را رها کرده‌اند به درمانده‌ترین، بدوی‌ترین، تعلیمات ندیده‌ترین و فقیرترین لایه‌های اجتماعی...» (همان: ۳۰). شاهد ۱۰: «... اگر قرار است حج دوام بیاورد ... باید به دادش رسید...» (همان: ۱۵۸). شاهد ۱۱: «... در آشیانه حجاج که به انتظار طیاره بودیم، جوانک‌های بازرس با آمیخته‌ای از اعجاب و تحقیر نگاه می‌کردند، همه را به‌خصوص مرا... چون خدم را توی جماعت برخورده می‌دیدم؟...» (همان: ۱۵). شاهد ۱۲: «... حضرات مأموران حج را به خط می‌کنند اما به محض اینکه سرشان دور شد، عین یک گله گوسفند می‌ریزند به هم و داستانی!...» (همان: ۲۲۷).

#### تحلیل کلیدواژه‌ها در داستان «مدیر مدرسه»

جلال آل احمد در «مدیر مدرسه» (۱۳۹۷) توانسته فضای متشنج جامعه را به‌خوبی نشان دهد و به جنبه‌های فرهنگی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی و آموزشی جامعه بپردازد. به‌منظور اثبات این ادعا و تحلیل جدول ۳، به ارائه نمونه‌هایی از کلیدواژه‌های پریسامد می‌پردازیم. در متن نوشتاری «مدیر مدرسه» در شاهدهای ۱۳ و ۱۴، واژه «یک» به‌عنوان توصیفگر اسم، در جایگاه صفت و به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های واژگانی مشاهده شد. شاهد ۱۳: با یک سطل بزرگ و یک آبپاش که سوراخ بود و تا به مدرسه می‌رسید نصف شده بود (ر.ک: آل احمد، ۱۳۹۷: ۳۵). شاهد ۱۴: اطراف مدرسه را بخرند و خانه بسازند و زمین یارو از متری یک عباسی بشود صد تومان (ر.ک: همان: ۱۱). همچنین از تحلیل شاهدهای ۱۵ الی ۱۸، درک می‌شود که جلال آل احمد در داستان «مدیر مدرسه» به وضعیت آموزشی کشور از جمله: الف. فقر و وابستگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی: شاهد ۱۵: اطراف مدرسه بیابان بود؛ درندشت و بی‌آب و آبادانی و آن ته رو به شمال، ردیف کاج‌های درهم‌فرورفته‌ای که از سر دیوار گلی یک باغ پیدا بود، روی آسمان لکه دراز و تیره‌ای زده بود (ر.ک: همان: ۱۰۰). ب. شیوه آموزش: شاهد ۱۶: ناظم

را فرستادم سر یک کلاس دیگر و خودم آدمم دم در مدرسه... (ر.ک: همان: ۲۵).  
 معلمان در جایگاه یکی از قهرمانان این رمان به‌عنوان نمونه یک تیپ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و هنری هستند که نشانگر مواردی همچون: الف. با تأخیر سر کلاس حاضر شدن: شاهد ۱۷: «معلم حساب پنج و شش هم که نیومده آقا» (همان: ۲۷). ب. رعایت نکردن آداب معاشرت / فرصت‌طلبی: شاهد ۱۸: «آهسته‌تر از آن می‌آمد که یک معلم تأخیر کرده جلوی مدیرش می‌آید» (همان: ۲۵).

### تحلیل کلیدواژه‌ها در داستان «اورازان»

جلال آل احمد در «اورازان» (۱۳۹۷) به توصیف موقعیت جغرافیایی، مراسم عروسی و عزاء، وضع معیشتی اهالی ده، وضعیت دام‌ها در فصل زمستان و تابستان، توصیف زنان، وضعیت املاک، عقاید مذهبی اهالی، می‌پردازد. به‌منظور اثبات این ادعا و تحلیل جدول ۴، به ارائه نمونه‌هایی از کلیدواژه‌های پربسامد در شاهدهای ۱۹ الی ۲۴ می‌پردازیم. الف. مراسم عروسی و عزاء: شاهد ۱۹: داماد دست پدر یا ولی خود را می‌بوسد و با شمع‌هایی در دست روی کرسی مفروش می‌نشیند. پیش‌ازاین جار زده‌اند و مردم ده جمع شده‌اند... (ر.ک: همان: ۴۳). تشریفات که در اورازان برای عزاء قایل می‌شوند حتی از تشریفات عروسی نیز مفصل‌تر است (ر.ک: آل احمد، ۱۳۹۷: ۲۷). ب. وضع معیشتی اهالی ده و وضعیت دام‌ها در فصل زمستان و تابستان: شاهد ۲۰: به این طریق حتی فقیرترین خانواده‌ها نیز که به زحمت ده بز و میش در گله دارند، می‌توانند با محصول شیر یک‌روزه تمام گله نه تنها آذوقه لبنیاتی یک ماه خود را تهیه کنند حتی چوپان نیز در زمستان بیکار می‌ماند و بیرون از ده کاری می‌گیرد (ر.ک: همان: ۴۸-۵۰). ج. عقاید مذهبی اهالی: شاهد ۲۱: اورازان سیدنشین است (ر.ک: همان: ۱۷). شاهد ۲۲: سید بودن و اصیل بودن اورازانی‌ها نه تنها در همه‌ی طالقان حتی در ساوجبلاغ و تنکابن نیز شهرت دارد (ر.ک: همان: ۱۸). د. توصیف زنان: شاهد ۲۳: زن‌ها نیز همان‌جا سر کوه با مردهای خود چاشت می‌کنند و به ده برمی‌گردند: اهالی اصطلاحی دارند که در مورد کارهای سخت زن‌ها بسیار گویاست: «مردکانی خدا زنکانند» (ر.ک: همان: ۴۰). ه. وضعیت املاک: شاهد ۲۴: تمام املاک ده از خانه و باغ و مزرعه و چراگاه وقف است و قابل فروش نیست نه به بیگانگان و نه در میان خود اهالی (ر.ک: همان: ۴۹).

### تحلیل کلیدواژه‌ها در «تات‌نشین‌های بلوک زهرا»

جلال آل احمد توصیف این روستا را از زاویه نگرش غرب‌زدگی بررسی کرده است و برای از دست رفتن صفای روستا و آیین‌های بومی حسرت خورده است و عواطف فردی و زمینه‌های فکری خویش را در این توصیف به کار گرفته است وی خواننده را با مواردی همچون تفاوت فرهنگی و اجتماعی، خلق‌وخو و اخلاق تند و خشونت مردمان روستاهای «ابراهیم‌آباد» و «سگزآباد» آشنا کرده است. به منظور اثبات این ادعا و تحلیل جدول ۵، شاهد‌های ۲۵ الی ۳۰ ارائه می‌شوند. شاهد ۲۵: اما ابراهیم‌آبادی‌ها شهری‌تر شده‌اند و جز زبانشان کمتر چیزی برای مطالعه دارند (ر.ک: آل احمد، ۱۳۷۰: ۳۱). شاهد ۲۶: اما زن‌های ابراهیم‌آباد همه چادر نماز سر می‌کنند و پیراهن بلند می‌پوشند (ر.ک: همان: ۳۱). شاهد ۲۷: ... خود سگزآبادی‌ها اعتراف می‌کنند که هیچ دعوی در تمام بلوک زهرا نیست که پای سگزآبادی در آن نباشد (ر.ک: همان: ۴۵). شاهد ۲۸: درست است که زیر لباس و سر و ظاهر نیمه‌شهری ابراهیم‌آبادی‌ها نیز همان اخلاق دهاتی، همان خشونت، همان تندی نگاه، همان پوست آفتاب‌سوخته و مسوار، همان پنجه‌های زمخت و کارکرده و همان خط سفید بالای پیشانی و حلقه گردن سگزآبادی‌ها را می‌توان دید (ر.ک: همان: ۳۰).

همچنین در تحلیل «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» پژوهشگر به این مهم دست یافت که کلیدواژه می‌تواند در جایگاه «فعل» به‌عنوان واژه واژگانی قرار بگیرد بر این اساس در زیر به چگونگی عملکرد افعال در تحلیل گفتمان اشاره خواهیم کرد. الف. افعال نوع فعالیت‌ها، رویدادها، حالت‌ها و رفتارهای یک گفتمان را نشان می‌دهد. فعل «گفت» در شاهد‌های ۲۹ و ۳۰ دلیلی بر این ادعا است. شاهد ۲۹: تاک را چنان هرس می‌کنند که اگر باشی و ببینی وحشت خواهی کرد و در دل خواهی گفت «اینکه دیگر چیزیش باقی نماند» (همان: ۵۳). شاهد ۳۰: داستان را برایش گفت و او هم به فکر فرورفت و دید نه راستی راستی گریه‌آور است (ر.ک: همان: ۱۰۶). ب. «فعل» از جمله واژه‌هایی است که می‌تواند به مقوله‌های دستوری چندگانه تعلق داشته باشد. در «تات‌نشین‌های بلوک زهرا» فعل‌های کلیدی متعلق به مقوله‌های دستوری چندگانه دیده نشد. ج. یکی دیگر از شگردهای متن در کاربرد فعل‌ها به این صورت است که با به کار بردن افعال در جمله‌های کوتاه، بی‌قراری و اضطراب فضا و شخصیت تصویر می‌شود. شاهدی دال بر این ویژگی از کاربرد فعل دیده نشد.

## تحلیل کلیدواژه‌ها در «مدار صفر درجه»

احمد محمود در رمان «مدار صفر درجه» (۱۳۷۲) به سرنوشت اشخاصی همچون «باران»، «نوذر» و «یارولی» به‌عنوان شخصیت‌های اصلی داستان می‌پردازد و نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه اوضاع اجتماعی سرنوشت آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد اما هیچ‌کدام بر دیگری برتری خاصی ندارد. به منظور تحلیل جدول ۶ و اثبات این ادعا، شاهد‌های ۳۱ الی ۳۶ در زیر آورده شده‌اند.

الف. باران: به رشد و تکامل شخصیتی باران اشاره شده است، همچنین باران بی‌عدالتی‌های اجتماع خویش را می‌بیند و ناخواسته به حیطة مبارزه کشیده می‌شود. باران با ورود به جامعه با مشکلات جدی مردم آشنا می‌شود و هرچه بیشتر می‌آموزد، مسئولیتش بیشتر می‌شود. شاهد ۳۱: **باران** گفت \_ مو حواسم هست! (رک: محمود، ۱۳۷۲: ۳۴) (مسئولیت‌پذیری). شاهد ۳۲: **«باران** تو پولان بشمر ببین بیشتر نداده‌م؟» (همان: ۶۵) (بی‌عدالتی‌های اجتماع).

ب. نوذر: بار زندگی را بر دوش می‌کشد تا حدودی در پوشش محافظه‌کارانه با عریضه و شکایت‌نویسی به مبارزه با گفتمان غالب می‌پردازد اندیشه او ترقی و پیشرفت است. او با پیگیری مطالبات خود و اطرافیانش درباره حقوق شهروندی و با گفتاری طنزآلود و هجوآمیز، اعتراض خود را اعلام می‌کند. نظرعوامانه و خرافی اطرافیان در تصمیم‌گیری او تأثیری ندارد و شخصیتی متضاد با یارولی دارد. شاهد ۳۳: صدای **نوذر** بلند شد \_ «خود ملاً می‌دونه که تو چارگوشه ئی مملکت هیچ‌کس بهتر از مو عریضه نمی‌نویسه!» (همان: ۸۵) (پیشرفت و ترقی). شاهد ۳۴: **نوذر** گفت \_ «با ئو شعرای بندتنبایش \_» (همان: ۹۸) (اعتراض طنزآلود).

ج. یارولی: از منافع شخصی و تجاری خود دفاع می‌نماید. یارولی فرد زیاده‌خواه و فرصت‌طلبی است که اوضاع سیاسی و اجتماعی محیط خود را به منبعی جهت کسب منافع شخصی تبدیل می‌کند. او باینکه به مذهب علاقه ندارد، از مذهب برای توجیه اعمالش استفاده می‌کند. وی شخصیتی متضاد با نوذر دارد. شاهد ۳۵: **یارولی** سر جنباند \_ «هاا ئو دنیا مو اگر الکی پولت خورده باشم چشمم کور کورت می‌کنم!» (همان: ۷۹). (توجیه اعمال به واسطه مذهب). شاهد ۳۶: صدای **یارولی** آمد \_ «از دم دکان مو برو ئوور» (همان: ۴۵) (دفاع از منافع شخصی و تجاری).

### تحلیل کلیدواژه‌ها در «غریبه‌ها»

احمد محمود در رمان «غریبه‌ها» (۱۳۹۸) با استفاده منظم از اسامی خاص همچون یاقوت، نعمت و علی‌رضا و ارجاع به رفتارهای آن‌ها به مشکلات مردم سیل‌زده و قحطی‌زده و اعمال قدرت از جانب بیگانگان می‌پردازد و در این خصوص به ابعادی از جمله سرزمینی که دچار قحطی، بی‌آبی و فلاکت شده، وضعیت مردان و دلیران برای کارگری و روزمزدی که در دشت بزرگ و سرمای شدید زمستان جنوب کشور کار می‌کردند و برای گرم کردن خود گودالی میان اتاق ساخته بودند و در آن با استفاده از آهن گداخته خود را گرم می‌کردند، حمایت و پشتیبانی مردان و دلیران از همدیگر برای دستیابی به اهداف، اشاره می‌کند. برای اثبات این ادعا و تحلیل جدول ۷، شاهد‌های ۳۷ الی ۴۲ ارائه می‌شوند. الف. اشاره به سرزمینی که دچار قحطی، بی‌آبی و فلاکت شده است: شاهد ۳۷: پوزه پهن یاقوت که به پوزه کوسه می‌ماند، گرسنگی کشیده می‌نمود (ر.ک: محمود، ۱۳۹۸: ۵۱). ب. وضعیت مردان و دلیران برای کارگری و روزمزدی که در دشت بزرگ و سرمای شدید زمستان جنوب کشور کار می‌کردند و برای گرم کردن خود گودالی میان اتاق ساخته بودند و در آن با استفاده از آهن گداخته خود را گرم می‌کردند. شاهد ۳۸: و این بود که یاقوت راه افتاد و همچنان که شانه‌هایش لنگر برمی‌داشت، از خانه بیرون زد (ر.ک: همان: ۵۶). شاهد ۳۹: علیرضا لوله‌نگ را برداشت و نشست کنار گودال که وضو بگیرد صدای اذان آمد (ر.ک: همان: ۶۰). ج. حمایت و پشتیبانی مردان و دلیران از همدیگر برای دستیابی به اهداف: شاهد ۴۰: علیرضا گفت- آگه همدیگرو داشته باشیم خیلی کارا می‌تونیم بکنیم (همان: ۴۷). د. فرار نعمت: شاهد ۴۱: گاوامونو رها کرده بودیم تو صحرا و راه افتاده بودیم به دنبال نعمت‌خان (همان: ۱۸). ه. دستگیری نعمت توسط اهالی: شاهد ۴۲: نعمت را گرفته‌اند و آورده‌اند پادگان (همان: ۱۵).

### تحلیل کلیدواژه‌ها در «پسرک بومی»

احمد محمود در داستان «پسرک بومی» (۱۳۹۸) با اشاره به ماجرای زندگی دو تن از شخصیت‌های داستان (شهرز و بتی)، به‌عنوان قربانیان سیاست و استعمار به مواردی از جمله عشق شهرز نسبت به بتی، همراهی شهرز با پدر بتی (یکی از مهندسان شرکت نفت) در جنبش ملی کردن صنعت نفت می‌پردازد. به منظور اثبات این ادعا و تحلیل جدول ۸ با اشاره به شاهد‌های ۴۳ الی ۴۸ به بررسی کلیدواژه‌ها و جمله‌های شاهدهی که دربرگیرنده این واژه‌ها



هستند خواهیم پرداخت. الف. عشق شهروز نسبت به بتی: شاهد ۴۳: ولی باغبون می‌گفت که تو عاشق بتی شدی ... (ر.ک: محمود، ۱۳۹۸: ۱۷۵). شاهد ۴۴: باغبان آمد و لاله گوش شهروز را گرفت و فشرد و گفت - مارمولک، تو دلت نمی‌خواد دست از این دختر برداری؟ (ر.ک: همان: ۱۸۳). شاهد ۴۵: می‌دونی سوری، من فقط دوستش دارم (ر.ک: همان: ۱۹۵). ب. همراهی شهروز با پدر بتی (یکی از مهندسان شرکت نفت) و جشن ملی کردن صنعت نفت: شاهد ۴۶: نگاه شهروز از سایه بتی گرفته شد و رفت رو سایه پدر بتی و مادر بتی و فرنگی بدخلق که در حاشیه جاده با هم قدم می‌زدند و می‌آمدند به طرف منبع آب (ر.ک: همان: ۱۷۲). شاهد ۴۷: بعد، صدای خشک گاری دستی نفت‌فروش بود و بعد صدای در آهنی منزل عبدول که حالا، سوری با مهره درشت زنگ‌زده‌ای به آن می‌کوفت (ر.ک: همان: ۱۸۰). شاهد ۴۸: فرنگی چاق که هیچ‌وقت نمی‌خندید، آمد بیرون و ایستاد کنار پدر بتی و پیشش را روشن کرد (ر.ک: همان: ۱۷۲).

#### تحلیل کلیدواژه‌ها در «همسایه‌ها»

احمد محمود در رمان «همسایه‌ها» (۱۳۵۷) به مسائل سیاسی (ملی شدن صنعت نفت)، اقتصادی (مشکلات اقتصادی)، اجتماعی (وضعیت حقوق اجتماعی زنان، فساد اخلاقی) و فرهنگی (شیوع خرافات میان مردم و پوشش و لباس) می‌پردازد. به منظور اثبات این ادعا در شاهد‌های ۴۹ الی ۵۴ به بررسی کلیدواژه‌ها و وجود اسم‌های عام (جدول ۹) که می‌تواند نشان‌دهنده ملیت و موقعیت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا اجتماعی) نیز باشد و جمله‌های شاهدی که دربرگیرنده این واژه‌ها هستند خواهیم پرداخت. الف. مسائل سیاسی: به دلیل تفرقه میان نیروهای مختلف سیاسی و اجتماعی این دوره از تاریخ، موضوع نفت به محور هماهنگی در سیاست ملی ایران تبدیل شد. شاهد ۴۹: قضیه نفت است و قضیه استعمارگران. - ما می‌خواهیم که دست غارتگران از صنعت نفت کشور ما کوتاه شود (ر.ک: محمود، ۱۳۵۷: ۱۷۹). ب. مسائل اقتصادی: مشکلات اقتصادی: شاهد ۵۰: صبح‌ها راه می‌افتد و می‌رود دکان و شب‌ها دست خالی برمی‌گردد (ر.ک: همان: ۲۰). شاهد ۵۱: فقط از توتون سیگار بگویم که سی و پنج پاکت از مهدی بقال نسبه گرفته‌ایم (ر.ک: همان: ۲۰). فساد اخلاقی: فساد ناشی از فقر ناهنجاری‌های بسیاری را به اجتماع تحمیل کرده است و اکثر جوان‌ها به‌نوعی با فساد درگیر هستند. شاهد ۵۲: اولین بار است که می‌بینم غلام سیگار می‌کشد (ر.ک: همان: ۲۰۰). مسائل

فرهنگی: الف. شیوع خرافات میان مردم: خرافه‌گویی و چله‌نشینی به امید یافتن رزق و روزی و به‌طورکلی خرافه‌گرایی و آنچه در باورها و برداشت‌های غلط از مذهب ریشه دارد و یا از باورهای کهن سرچشمه می‌گیرد. شاهد ۵۳: پدرم چهار کارد فولادی درست کرده است. رو تیغه کاردها نقش‌هایی حک کرده است که من سر در نمی‌آورم. یقین از رو کتاب اسرار قاسمی این نقش‌ها را رو تیغه کاردهای فولادی حک کرده است (ر.ک: همان: ۲۵). ب. پوشش و لباس: پوشش هر یک از شخصیت‌های داستان با توجه به شهری که در آن قرار دارند و داستان در آن شکل گرفته است جالب توجه است. شاهد ۵۴: نیم‌تنه‌اش را از مادرم می‌گیرد و می‌پوشد و چپیه اش را دور سر می‌بندد و از خانه می‌رود بیرون (ر.ک: همان: ۱۸).

### نتیجه‌گیری

در تحلیل این داستان‌ها به اصول اصلی تحلیل گفتمان انتقادی که همانا نشان دادن مسائل اجتماعی و فرهنگی، بازنمود ایدئولوژی‌ها، ایجاد ارتباط میان متن و جامعه و ارتباط مفاهیم با واژه‌های کلیدی است، دست یافتیم؛ بنابراین پربسامدترین واژه‌های واژگانی در این داستان‌ها به تأیید آنچه از متن ۹ اثر انتظار می‌رود کمک کرده‌اند. چراکه این واژه‌های کلیدی در پیکره مرجع نیز از فراوانی بالایی برخوردارند و بررسی آن‌ها، «دربارگی» متن را نشان می‌دهد؛ و مشخص می‌کند که ژانر متن در خصوص مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی است که در قالب پیکره نوشتاری ارائه شده است. محققان، نگرش جلال آل احمد و احمد محمود را در داستان‌های موردنظر همراه با نمونه‌های جملاتی از هر پیکره مورد بررسی قرار دادند تا نشان دهند واژه‌های کلیدی تا چه اندازه در بازنمود کردن نظام باور نویسنده سهیم بوده‌اند. پژوهشگران به‌منظور تفسیر داده‌های خود، به روش کمی و به‌واسطه کلیدواژه‌ها به مشخصه‌های متن یا همان پیکره‌های موردنظر دسترسی یافتند. مشخصه‌ای که موردبررسی قرار گرفته است عناوین و متن‌های ادبی آثار نویسندگان بود. ایشان به این مهم دست یافتند که هر داستان از زوایای دید متفاوت روایت می‌شود و با استفاده از این شیوه نویسندگان سعی به ارائه و نقد داستان‌ها دارند و بسته به اهداف خویش به انتخاب زاویه دید می‌پردازند. از آنجاکه داستان‌های جلال آل احمد و احمد محمود، قطعه‌های ادبی نوشتاری به شمار می‌آیند پس نوعی متن در نظر گرفته شدند و از ویژگی متن‌وارگی برخوردار بودند، چراکه ویژگی‌های لازم از جمله روابط انسجامی را در خود جای داده‌بودند و از آنجاکه اطلاعاتی از قبیل اهداف و انگیزه‌های نویسندگان را در اختیار

خواننده قرار دادند، دارای توانش ارتباطی بودند. بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل ابعاد گفتمانی سوءاستفاده از بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از آن در اجتماع در تحلیل این داستان‌ها صورت گرفت و از آنجاکه گفتمان خنثی وجود ندارد، در این داستان‌ها با ایدئولوژی‌های خاص روبرو شدیم. جا داشتن این ایدئولوژی‌ها در ذهن هر نویسنده، جنبه فردی بودن ایدئولوژی را نشان داد و این همان رابطه‌ای است که گفتمان و تحلیل گفتمان با ایدئولوژی دارد که در مدل سه وجهی ون‌دایک قابل درک است. ساختار گفتمانی به صورت‌بندی شناخت کمک کرد و از آنجاکه منازعه اجتماعی مبتنی بر نابرابری در این داستان‌ها بود گفتمان‌ها وجه شناختی این نابرابری را توجیه کردند و از آنجاکه به نظر ون‌دایک بیشترین کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش‌های مربوط به نابرابری‌های اجتماعی بوده است، بازنمایی‌های اجتماعی در آثار این نویسندگان به کمک تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفت. همچنین مطابق با دیدگاه ون‌دایک که متن‌های نوشتاری را هم در مفهوم گفتمان مورد توجه قرار داده است و به وجود شباهت‌های بسیاری میان شیوه نوشتن مردم اعتقاد دارد به ارائه شباهت‌های موجود میان آثار این دو نویسنده پرداختیم. همچنین اگر ایدئولوژی را به‌عنوان عملی اجتماعی بپذیریم و بر این باور باشیم که زبان، ایدئولوژی را تولید می‌کند و ایدئولوژی از جامعه به فرد منتقل می‌شود، پس حقیقت ثابتی وجود ندارد زیرا هر جامعه در هر دوره‌ای محصول اجتماعی خاصی دارد که با جوامع و ادوار دیگر متفاوت است. این موضوع در پژوهش حاضر مورد تحلیل قرار گرفته است. دو نویسنده یعنی جلال آل احمد و احمد محمود نگرش‌های خود را که متأثر از جهان‌بینی، شناخت و ابزار شناخت بوده است به‌صورت متن‌های مختلف ارائه کرده‌اند، اما وابستگی و پایبندی هرکدام به این ابزار و استفاده از آن‌ها بر روی پیوستار قرار دارد و در نتیجه دارای مراتب و درجاتی است که اگرچه در بعضی از مواقع، ابزار شناخت و جهان‌بینی آن‌ها تا حدودی مشابه بوده است، متن‌های متفاوتی در خصوص یک موضوع مشترک و با یک واقعیت ثابت آفریده‌اند.

## منابع

### کتاب‌ها

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۰) *تات‌نشین‌های بلوک زهرا*، تهران: امیرکبیر.

- آل احمد، جلال (۱۳۸۲) *نحسی در میقات*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۵) *غرب زدگی*، تهران: نشر خرم.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۷) *اورازان*، تهران: هرم.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۷) *مدیر مدرسه*، تهران: جامه دران.
- بشیری، محمود (۱۳۹۰) *جلال پژوهی*، (مجموعه مقالاتی درباره آرا و اندیشه‌های جلال آل احمد به قلم گروهی از نویسندگان)، چاپ اول، تهران: خانه کتاب.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸) *نقد آثار احمد محمود*، تهران: معین.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۹۰) *نقد آثار جلال آل احمد*، چاپ اول، تهران: خانه کتاب.
- سلطانی علی اصغر (۱۳۹۲) *قدرت، گفتمان و زبان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی*، تهران: نشر نی.
- محمود، احمد (۱۳۵۷) *همسایه‌ها*، تهران: امیرکبیر.
- محمود، احمد (۱۳۷۲) *مدار صفر درجه*، تهران: معین.
- محمود، احمد (۱۳۹۸) *پسرک بومی*، تهران: معین.
- محمود، احمد (۱۳۹۸) *غریبه‌ها*، تهران: معین.

#### مقالات

- آقاگل‌زاده، فردوس، غیاثیان، مریم‌سادات. (۱۳۸۶). *رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. زبان و زبان‌شناسی*، ۳(۵)، ۳۹-۵۴.
- آجاکیانس، آناهید. (۱۳۸۳). *مروری بر آثار احمد محمود. نامه فرهنگستان*، ۷(۳)، ۱۵۸-۱۶۶.
- خانی اسفند آباد، سامان، نظری، ماه. (۱۳۹۹). *تحلیل جامعه‌شناسانه رُمان دل کور اثر اسماعیل فصیح. فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲(۴۳)، ۱۷۰-۱۴۱. doi: 10.30495/dk.2020.672391
- خیرآبادی، رضا. (۱۳۹۳). *بررسی پیکره‌بنیاد شیوه نام‌دهی خلیج فارس در مطبوعات و رسانه‌های آمریکایی به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی. جستارهای زبانی*، ۵(۴)، ۸۷-۱۰۲.
- زمانی، زهرا. (۱۳۸۷). *معرفی و نقد کتاب اورازان اثر جلال آل احمد*، قابل دسترس در <http://zamanyz.blogfa.com/post/4>.

سامنی، سامان، مدرس خیابانی، شهرام. (۱۳۹۴). تحلیل پیکره بنیاد گفتمان سیاست اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری. پژوهش‌های ارتباطی، ۲۲(۸۲)، ۱۰۷-۱۲۱. doi:10.22082/cr.2015.15108  
شکری‌زاده، سمیه. (۱۳۸۶). ادبیات اقلیمی در رمان‌های احمد محمود. ادبیات داستانی، ۱۱۲(۱)، ۵۲-۵۸.

علیپور گسگری، بهناز. (۱۳۸۹). اندیشه‌های جلال آل احمد در آیینۀ داستان‌هایش. کتاب ماه ادبیات، ۴۴(۱۵۸)، ۳۵-۳۸.

قبادی حسینعلی. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور. نقد ادبی، ۶(۶)، ۱۸۳-۱۴۹. dor: 20.1001.1.20080360.1388.2.6.1.4

کاظمی، سیمین، نواح، عبدالرضا. (۱۳۹۳). بررسی کلیشه‌های جنسیتی در آثار داستانی جلال آل‌احمد. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۶(۱)، ۶۳-۴۳. doi: 10.22059/jsal.2014.53609

کمال‌پور، مهسا، مدرس خیابانی، شهرام، حجازی، محمد جواد. (۱۳۹۹). نقش کلیدواژه‌ها در تحلیل گفتمان مطالعه موردی: «خسی در میقات» و «غرب زدگی» دو اثر از جلال آل احمد. فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی، ۳(۳)، ۵۵-۷۶. doi: 10.30473/il.2019.46452.1265

یارمحمدی، لطف‌اله، یمینی، مرتضی، قنبری، لیلا. (۱۳۹۱). مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگ‌سالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان. مطالعات ادبیات کودک، ۱۱(۱)، ۱۴۳-۱۶۶. doi: 10.22099/jcls.2012.455

یاسمی، کلثوم، آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگلیش فایل با استفاده از مدل ون دایک. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۷(۳۴)، ۱۸۶-۲۰. doi: 10.22083/jccs.2016.23956

#### منابع لاتین

Baker P. (2006) *Using Corpora in Discourse Analysis*. Continuum. London: New York.

Scott M, Tribble Ch (2006) *Textual patterns: Key Word and Corpus Analysis in Language Education [Studies in Corpus Linguistics 22]*. Amsterdam: John Benjamins.

Scott M. (2007) *Keyness in shakespeare's plays: Natural Processing Lab*, Masaryk University.

Van Dijk TA. (1998) *Ideology: A multidisciplinary approach*, sage publication.

Van Dijk TA. (1997) *Discourse studies. A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 1. London: Sage.

Van Dijk TA. (2001) *Political discourse and ideology*, working paper, unpublished.

## References

### Books

Aghagolzadeh, Ferdows (2015) *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Scientific and Cultural.

Al-Ahmad, Jalal (1991) *Tattoos of Zahra Block*, Tehran: Amirkabir.

Al-Ahmad, Jalal (2003) *Khosi Dar Miqat*, ninth edition, Tehran: Ferdows.

Al-Ahmad, Jalal (2006) *Westernization*, Tehran: Khorram Publishing.

Al-Ahmad, Jalal (2018) *Orazan*, Tehran: Pyramid.

Al-Ahmad, Jalal (2018) *School principal*, Tehran: Jamehdoran.

Bashiri, Mahmoud (2011) *Jalalpajoohi, (a collection of articles about the views and ideas of Jalal Al-Ahmad to a group of authors)*, first edition, Tehran: Book House.

Dastgheib, Abdolali (1999) *Critique of the works of Ahmad Mahmoud*, Tehran: Moin.

Dastgheib, Abdolali (2011) *Critique of the works of Jalal Al-Ahmad*, first edition, Tehran: Book House.

Mahmoud, Ahmad (1978) *Neighbors*, Tehran: Amirkabir.

Mahmoud, Ahmad (1993) *Zero Degree Circuit*, Tehran: Moin.

Mahmoud, Ahmad (2019) *Native boy*, Tehran: Moin.

Soltani Ali Asghar (2013) *Power, discourse and language, mechanisms of power in the Islamic Republic*, Tehran: Ney Publishing.

Mahmoud, Ahmad (2019) *Strangers*, Tehran: Moin.

### Articles

Aghagolzadeh, Ferdows, Ghiasian, Maryam Sadat. (2007). Dominant approaches in critical discourse analysis. *Language and Linguistics*, 3 (5), 39-54.

Ajakians, Anahid. (2004). A review of the works of Ahmad Mahmoud. *Academy Letter*, 7 (3), 158-166.

Alipour Gaskari, Behnaz. (2010). Jalal Al-Ahmad's thoughts in the mirror of his stories. *Book of the Month of Literature*, 44 (158), 35-38.23.

Ghobadi Hossein Ali. (2009). Analysis of the dominant discourse in the novel *Suvshun* Simin Daneshvar. *Literary Criticism*, 2 (6), 183-149. Dor: 20.1001.1.20080360.1388.2.6.1.4

Kamalpour, Mahsa, street teacher, Shahram, Hejazi, Mohammad Javad. (2020). The role of keywords in the analysis of the discourse of the case study: "Wetness in Mikat" and "Westernization" are two works by Jalal Al-Ahmad. *Journal of Social Linguistics*, 3 (3), 55-76. doi: 10.30473 / il.2019.46452.1265

Kazemi, Simin, Nawah, Abdolreza. (2014). A study of gender stereotypes in the fictional works of Jalal Al-Ahmad. *Sociology of Art and Literature*, 6 (1), 43-63. doi: 10.22059 / jsal.2014.53609

Khairabadi, Reza (2014). Investigating the body of the Persian Gulf naming method in the American press and media by means of critical discourse analysis. *Linguistic Essays*, 5 (4), 102-87.

Khani Esfandabad, Saman, Nazari, Mah. (2020). Sociological analysis of the novel "Blind Heart" by Ismail Fassih. *Scientific Quarterly of Interpretation and*

*Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12 (43), 141-170.  
doi: 10.30495 / dk.2020.672391

Samani, Saman, street teacher, Shahram. (2015). Body structure analysis of the discourse of resistance economic policy from the perspective of the Supreme Leader. *Communication Research*, 22 (82), 107-121. doi: 10.22082 / cr.2015.15108

Shukrizadeh, Somayeh. (2007). Climatic literature in the novels of Ahmad Mahmoud. *Fiction*, (112), 52-58.

Yarmohammadi, Lotfallah, Yamini, Morteza, Ghanbari, Leila. (2012). Comparison of Critical Analysis of Adult Contemporary Short Story Discourse and Adolescent Contemporary Short Stories. *Children's Literature Studies*, 1 (1), 143-166. doi: 10.22099 / jcls.2012.455

Yasemi, Kolsoom, Aghagolzadeh, Ferdows. (2016). Critical Discourse Analysis of American English File Using Van Dyke Model. *Journal of Cultural Studies - Communication*, 17 (34), 186-20. doi: 10.22083 / jccs.2016.23956

Zamani, Zahra. (2008). Introduction and critique of Orazan book by Jalal Al-Ahmad, available at <http://zamanyz.blogfa.com/post/4>.

#### Latin references

Baker P. (2006) *Using Corpora in Discourse Analysis*. Continuum. London: New York.

Scott M, Tribble Ch (2006) *Textual patterns: Key Word and Corpus Analysis in Language Education [Studies in Corpus Linguistics 22]*. Amsterdam: John Benjamins.

Scott M. (2007) *Keyness in shakespeare's plays: Natural Processing Lab*, Masaryk University.

Van Dijk TA. (1998) *Ideology: A multidisciplinary approach*, sage publication.

Van Dijk TA. (1997) *Discourse studies. A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 1. London: Sage.

Van Dijk TA. (2001) *Political discourse and ideology*, working paper, unpublished.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts  
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 52, Summer2022, pp. 332-355

Date of receipt: 10/11/2020, Date of acceptance: 3/2/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1913798.2125](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1913798.2125)

۳۵۵

## Corpus-assisted Discourse Investigation and Comparison of Jalal Al-Ahmad and Ahmad Mahmood's Works

Mahsa Kamalpoor<sup>1</sup>, Dr. Shahram Modarres Khiabani<sup>2</sup>, Dr. Mohammad Javad Hejazi<sup>3</sup>

### Abstract

Contemporary Iranian fiction manifests itself in the southwestern part of the country, Khuzestan, in a distinct way. Writers of this region are distinguished from others in terms of style on the strength of a cultural diversity and special geography and some scholars term this style 'Khuzestan School'. From among new-generation story writers of Khuzestan, Nasim Marashi, the author of the "Haras" novel, can be cited. Having been well versed in indigenous elements of southwestern Iran, she tells her story. This paper studies regional literature's criteria such as dialect, clothing, food, climate, customs and beliefs in Haras novel adopting an analytical-descriptive method. Results reveal that realism, geography, and regional identity account for Marashi's success in telling the history of part of a territory which recalls the second-long war of the twentieth century in its memories. Accordingly, she has managed to add "writing about war" to the three types of southern regional literature (writing about sea, writing about an industrial area, and writing about a rural environment).

**Keywords:** regional literature, Khuzestan School, Haras, Nasim Marashi, regional identity.

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> . PhD Student, Department of Linguistics, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. kamalpoormahsa58@gmail.com

<sup>2</sup> . Assistant Professor, Department of English Language Education and Translation, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author) shmodarress@yahoo.com

<sup>3</sup> . Assistant Professor of English Language Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. hejazi@qom-iau.ac.ir